

دیدگاه



علیر ضاحدیری

کارشناس حوزه تأمین اجتماعی

## راهکار گسترش پوشش تأمین اجتماعی

مادامی که برخی از اقشار با حداقل درآمد ماهانه امکان پرداخت کف حق بیمه را نداشته باشند و از حمایت‌های دولتی در کمک به پرداخت سهم حق بیمه نیز برخوردار نباشند، باید راهکاری برای پوشش بیمه‌ای این افراد تدوین شود؛ چراکه ایجاد تناسب در ارائه خدمات و میزان پرداخت حق بیمه یکی از مسیرهای تحقق پوشش بیمه‌ای گسترده است.

برخی از گروه‌ها توان پرداخت تمام حق بیمه را ندارند که به عنوان مثال، قالیبافان، رانندگان و برخی دیگر را شامل می‌شود و دولت با شناسایی این گروه‌ها پرداخت سهم حق بیمه دولتی این افسرد را بر عهده گرفته و در واقع مشارکت خود را در تحت پوشش بیمه قرار گرفتن این اقشار اجرایی کرده است. در این فرایند تأمین اجتماعی با دریافت این حق بیمه، پوشش بیمه‌ای این اقشار را به صورت کامل انجام می‌دهد و آنها از خدمات کامل این سازمان بهره‌مند می‌شوند.

در خصوص این اقشار اگر کف درآمدی برای پرداخت حق بیمه توسط سازمان تأمین اجتماعی پایین آورده و در عوض قراردادهایی متفاوت و با ارائه خدمات حداقلی را شامل شود، امکان توسعه چتر بیمه‌ای تأمین اجتماعی به‌وجود آمده است.

ما می‌دانیم نهاد دولت باید سه درصد حق بیمه‌های اجباری را تا میزان هفت برابر حداقل دستمزد به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کند. این میزان سهم حق بیمه دولت البته در بدی‌های نهاد دولت به این سازمان ثبت می‌شود و این بدان معنا است که دولت برای افرادی که به دلیل دریافت دستمزد و حقوق بسیار بالا، سقف پرداختی حق بیمه را باید داشته باشند، حدود ۱۰ درصد حق بیمه این افراد توسط دولت پرداخت می‌شود.

در واقع در این شرایط، دولت به افرادی که توانمندی اقتصادی بالایی دارند در حال کمک‌رسانی برای پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی است و این نوع کمک‌ها در واقع می‌تواند ایرادی در توزیع کمک‌های بیمه‌ای باشد که باید اصلاحاتی در آن صورت گیرد.

برخی از سطوح خاص درآمدی، به عنوان مثال افرادی که بیشتر از سه برابر حداقل دستمزد دریافت می‌کنند را شاید بتوان در سطح متوسط درآمدی تعریف کرد و در واقع کمک‌های دولتی در راستای پرداخت سهم حق بیمه دولت به این اقشار شاید توازن در توزیع کمک‌های پرداخت حق بیمه را با اشکال مواجه کرده است.

با این اوصاف باید ببینیم اکنون چه میزان منابع به صورت غیرهدفمند در حال توزیع است و می‌توان آن را جمع‌آوری و در قالب پرداخت سهم حق بیمه اقشار با سطوح درآمدی پایین هزینه کرد. در این شرایط است که می‌توان در مسیر توسعه کامل پوشش چتر بیمه‌ای افراد حرکت کرد.

گزارش



مهناز بیرانوند

روزنامه‌نگار

## تأمین اجتماعی به دلیل ساختار سازمانی و ویژگی‌های منابع و مصارف آن با هم توازن داشته باشد و برای یک سازمانی مانند تأمین اجتماعی (کارفرما و جمعیت بیمه‌شده و دولت) شکل می‌گیرد

## جوانی جمعیت؛ راز ماندگاری تأمین اجتماعی است

# پدیده سالمندی و تهدید منابع تأمین اجتماعی

سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین حامی بیمه‌شدگان و در قالب یک نهاد عمومی غیردولتی اکنون بیش از ۴۴ میلیون بیمه‌شده را تحت پوشش خود دارد. این پوشش گسترده، تعهدات کوتاه‌مدت و بلندمدت بیمه‌ای، درمانی و بازنشتی برای این سازمان در پی دارد که تاکنون بیشترین میزان حمایت و تعهدات را در ارائه خدمات این نهاد بیمه‌ای موجب شده است. در این شماره از تباط سیاست‌های جمعیتی با میزان تعادل در منابع و مصارف تأمین اجتماعی و اصلاحات پارامتری قوانین این سازمان را در راستای ایجاد بستر جهت ارتقاء خدمات به جمعیت تحت پوشش بررسی می‌کنیم.

تبدیل می‌شود.

## جدی گرفتن سیاست‌ها و مشوق‌های جمعیتی

جنانسی با طرح این سؤال که برای این مسأله چه باید کرد، اظهار داشت: «راهکار واضح است و باید سیاست‌ها و مشوق‌های جمعیتی به شدت جدی گرفته شود چون اولین نهادهایی که در این زمینه ضرر می‌کنند صندوق‌های بازنشستگی هستند و به همین دلایل، مشوق‌های جمعیتی باید مؤلفه‌های درآمدی تأمین اجتماعی را بالا ببرد.» مدیرکل اسبق امور مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی ادامه داد: «یعنی باید جمعیت را به سمت زادوولد و افزایش جمعیت جوان پیش برد و باید جوانان را به سمت بازار کسب و کار هدایت کرد و اینکه باید سیاست‌های تولید را تشویق کنیم و کارفرمایان، کسب و کار را اندازی کنند و به سمت رونق تولید پیش رود تا تأمین اجتماعی از آنها حق بیمه دریافت کند.» وی معتقد است از طرفی دیگر باید اصلاحات پارامتریک انجام شود. رشد بازنشستگی نیز به گونه‌ای باشد که دیگر دلیلی وجود نداشته باشد تا یک فرد با ۱۳.۵ سال فعالیت کاری بازنشسته شود. اکنون با قانون فعلی یک چنین فردی بازنشستگی مشاغل سخت و زبان‌آور می‌گیرد و طبق تبصره چهار ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی بازنشسته می‌شود اما یک پرستار که بازنشسته می‌شود به طور یقین در خانه نمی‌ماند و در کشورهای دیگر به شغل پرستاری خود ادامه می‌دهد. جانسی تصریح کرد: «باید به سمت اصلاحات پارامتریک پیش رفت یعنی اینکه متناسب با شرایط کشور نرخ سابقه و سن را تعدیل کنیم به گونه‌ای که تأمین اجتماعی بتواند به نسل‌های آینده به عنوان یک صندوق بین‌نسلی خدمت کند چون اکنون ضریب پشتیبانی سازمان در حال کاهش است به طوری که در سال ۶۲ این ضریب بیش از ۱۱ بوده و اکنون زیر پنج و به سمت عدد چهار در پیش است.» وی اضافه کرد: «اگر سیاست‌های جمعیتی را تنظیم نکنیم و اصلاحات پارامتریک را در دستور کار قرار ندهیم با چالش جدی و بحران تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی دچار خواهیم شد، این شرایط بر همه صندوق‌ها حاکم است.»

جمعیت پیر نمی‌تواند چرخ تولید را بچرخاند این کارشناس حوزه بیمه‌های بازنشستگی معتقد است که وقتی که جمعیت سالمند شود بهره‌وری پایین آمده و مراقبت توانبخشی باید افزایش پیدا کند و در این شرایط مراقبت بیماری بیشتر می‌شود، چون در یک کشور جوان درمان و هزینه سرانه بهداشت خیلی پایین است اما در یک کشور با جمعیت سالمند باید هزینه توانبخشی پرداخت شود، پس هزینه درمان به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد و کسب و کار هم به شدت تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد.

وی با بیان این موضوع که جمعیت پیر و سالمند نمی‌تواند چرخ تولید را بچرخاند، اظهار داشت: «فردی که بیش از ۶۰ سال دارد در حوزه تولید کارایی و بهره‌وری نیروی جوان را ندارد و بنابراین باید به سمت جوانگرایی پیش برویم...»

بیخ گوش سازمان تأمین اجتماعی است. وی گفت: «پدیده سالمندی را سازمان‌های بین‌المللی اینگونه تعریف می‌کنند که بر اساس آخرین استانداردهای سالمندی که سازمان جهانی بهداشت تعریف می‌کند، سالمند کسی است که بالای ۶۵ سال سن دارد و اکنون ترکیب جمعیتی کشور به شکلی است که مرتب به سمت سالمندی پیش می‌رود.» این کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی تأکید کرد: «دلیل اینکه جمعیت ایران به سمت سالمندی می‌رود این است که نرخ زادوولد در کشور رو به کاهش است و در واقع امید به زندگی رو به افزایش، این دو شاخص در جهت عکس عمل می‌کنند، تعداد مولدیی که پا به عرصه وجود می‌گذارند رو به کاهش است از آن طرف جمعیت سالمند در واقع با به کارگیری تمهیدات و مراقبت‌های اولیه بهداشتی و افزایش سطح زندگی جمعیت سالمندان در حال افزایش است.» جانسی با این پرسش که چرا جمعیت سالمندی رو به افزایش است، ادامه داد: «به خاطر اینکه سال ۱۳۵۴ که قانون تأمین اجتماعی نوشته شده متوسط امید به زندگی در کشور حدود ۵۷ سال بوده، اما امروز - بحمدالله - این متوسط امید به زندگی به ۷۵ سال برای مردان و ۷۸ سال برای بانوان رسیده است.»

## نیاز تأمین اجتماعی به اصلاحات پارامتریک

مدیرکل اسبق امور مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی خاطر نشان کرد: «اگر چه امید به زندگی پدیده بسیار نیکویی است و نشانگر شاخص‌های رفاهی و بهداشتی در یک کشور و به عنوان یک شاخص خوب است، اما برای تأمین اجتماعی که اصلاحات پارامتریک را هنوز انجام نداده است، به عنوان مثال در مقوله مشاغل سخت و زبان‌آور شرط سنی حذف شده و همه کشورهای اطراف شرط سنی دارند اما ما این شرط را نداریم و برای تأمین اجتماعی که با پارامترهای سال ۱۳۵۴ بازنشستگی می‌کند طبیعتاً این مسأله مشکل‌زا است.»

## جمعیت جوان شاغل نداریم

وی ادامه داد: «یعنی ما از چند طرف متضرر می‌شویم، اینکه جمعیت جوان نداریم که جمعیت شاغل ما را پوشش دهد، پس منابع ما به شدت در حال خطر است و به سمتی می‌رویم که منابع ما رو به تقلیل است و جمعیت شغل و شاغل نداریم یعنی جوانانی که اکنون متولد شوند و ۲۰ سال آینده وارد بازار کسب و کار شوند، پس جای آنها خالی در بازار کار و بیمه‌پردازی خالی شده و منابع سازمان با این توصیف رو به کاهش خواهد رفت.»

وی بیان داشت: «از طرفی ما مصارفی داریم که بشدت و لگاریتمی رو به افزایش است؛ چون جوان ۳۰ ساله‌ای که پول حق بیمه پرداخت می‌کند ۲۰ سال دیگر بازنشسته سازمان می‌شود و در گروه سالمندان قرار می‌گیرد و تأمین اجتماعی باید به این فرد ۳۰ سال مستمری پرداخت کند، سپس به خانواده و بازماندگان آن فرد مستمری پرداخت کند، یعنی شاید متوسط بیمه‌گری به روزی برسد که بگوییم پنج سال حق بیمه گرفته می‌شود و ۵۵ سال حق بیمه پرداخت می‌کنیم که این مسأله در آینده منطق یک سازمان بازنشستگی را زیر سوال می‌برد و به یک بحران جدی

## تأکید بر توازن در ابلاغیه رهبری

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید: «توازن منابع و مصارف اصلی مهم در نظام بیمه‌ای است که در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری نیز مورد تأکید قرار گرفته است. به دلایل مختلف متأسفانه در سال‌های گذشته به این اصل مبنایی در نظام بیمه اجتماعی و بازنشستگی کشور کم توجهی شده و هزینه‌هایی در طول سال‌ها به صندوق‌های بازنشستگی تحمیل شده که منابع پایدار و مطمئن برای این هزینه‌ها پیش‌بینی نشده است و وضعیت فعلی ناترازی منابع و مصارف به صندوق‌ها و وابستگی صددرصدی برخی صندوق‌ها به کمک دولت، حاصل قوانین و مقررات غیر کارشناسی گذشته است.»

موسوی اضافه می‌کند: «متأثر از همین قوانین غیر کارشناسی، سهم بازنشستگان پیش‌از موعد در سازمان تأمین اجتماعی که در سال ۱۳۹۲ حدود ۱۹ درصد بوده امروز به بیش از ۵۰ درصد کل بازنشستگان رسیده است که با هیچ یک از اصول علمی و تجارب و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی همخوانی ندارد و با هیچ عقل سلیمی قابل پذیرش نیست.»

## لزوم توجه به اصل سه‌جانبه‌گرایی

مدیرکل اسبق امور مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی در این باره به آینه‌نو گفت: «تأمین اجتماعی به دلیل ساختار سازمانی ویژه‌ای که دارد باید منابع و مصارف آن با هم توازن داشته باشد و برای یک سازمانی مانند تأمین اجتماعی منابع آن بر اساس اصل سه‌جانبه‌گرایی (کارفرما و جمعیت بیمه‌شده و دولت) شکل می‌گیرد و در واقع منابع از کارگر، کارفرما و دولت تأمین می‌شود و این سه با هم مشارکت کرده و ۳۰ درصد حق بیمه - زهر کدام بر اساس سهم خود ۷، ۲۰ و ۳ درصد به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز می‌کنند.»

سیدمحمدعلی جانسی خاطر نشان کرد: «در واقع بقا و ماندگاری صندوق بین‌نسلی تأمین اجتماعی در این است که ورودی و منابع سیستم را حفظ کنیم که این منابع همان حق بیمه‌ها هستند، حال برای اینکه حق بیمه و منابع آن حفظ شود باید کارگری وجود داشته باشد تا اساساً از او حق بیمه گرفته شود و باید کارفرما وجود داشته باشد و تولید کند تا بهره‌مندی از مفهوم کار، در واقع بین کار و دولت پول گرفته شود.»

وی تصریح کرد: «حال باید دید چه اتفاقی می‌افتد و اگر رونق کار و تولید دچار خدشه شود و آهنگ تولید رو به اضمحلال برود؟ اولین جایی که متضرر می‌شود ورودی‌های تأمین اجتماعی است؛ این یعنی اگر کارگر باشد اما کسب و کار و تولید رونق نداشته باشد سازمان تأمین اجتماعی در وصول درآمد دچار مشکل خواهد شد.»

## خطر پدیده سالمندی بیخ گوش تأمین اجتماعی

مدیرکل اسبق امور مستمری‌های تأمین اجتماعی معتقد است اتفاقی که رخ می‌دهد و خطری که بیخ گوش این سازمان وجود دارد این است که ما در یک فضای ر کودی کسب و کار هستیم و آهنگ رشد جمعیت ما آهنگی است که به سمت سالمند شدن جمعیت پیش می‌رود، اکنون خطر پدیده سالمندی

بزرگترین صندوق بیمه‌ای کشور به علت اهمیت مدیریت منابع و مصارف، باید سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مناسبی میان دارایی‌ها و منابع ورودی و مطالبات و هزینه کرد به عنوان مصارف خود داشته باشد، این موضوع در سازمان بزرگی همچون تأمین اجتماعی بسیار اهمیت دارد تا بتواند توازن در مدیریت منابع و مصارف را داشته باشد و بهترین خدمات را به افراد تحت پوشش خود ارائه دهد که در دهه‌های اخیر در راستای گسترش چتر بیمه‌ای و ایفای تعهدات طرح‌ها و برنامه‌های اثر بخشی در این سازمان به کار گرفته شده است.

در سال‌های اخیر شرایط اقتصادی بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی تأثیر مستقیمی داشته است. برخی از این چالش‌ها شامل تحریم‌های بین‌المللی، همه‌گیری کرونا، تعطیلی کارگاه‌های تولیدی و بیکاری بخشی از کارگران، افزایش قیمت کالاهای اساسی، رکود، تورم و دیگر مشکلات اقتصادی با وجود خارج بودن از اراده سازمان تأمین اجتماعی است که بر منابع و مصارف این سازمان به شکل مستقیم تأثیر گذار بوده است.

حتی با وجود چنین چالش‌ها و مشکلات اقتصادی، تأمین اجتماعی طرح‌های بزرگی را در حوزه‌های بیمه‌ای، بازنشستگی و درمانی اجرایی کرده است تا این سازمان به عنوان نهادی درآمد - هزینه‌ای، بتواند منابع و مصارف خود را مدیریت و بین این دو تعادل ایجاد کند.

## منابع درآمدی و هزینه‌ای تأمین اجتماعی

بخش عمده‌ای از منابع درآمدی سازمان تأمین اجتماعی بر اساس ماده (۲۸) قانون تأمین اجتماعی شامل وصول حق بیمه، درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان، وجوه حاصل از خسارات و جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون و کمک و سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های تحت مدیریت شستا است.

مصارف این سازمان نیز شامل هزینه‌های مربوط به خدمات درمانی و مبالغ پرداختی بابت دستمزد ایام بیماری، بارداری و بیکاری و همچنین هزینه‌هایی از قبیل کمک هزینه ازدواج و غرامت نقض عضو و هزینه کن‌ودفن، مزایای عائله‌مندی و هزینه‌های پرداخت حقوق بازنشستگی، فوت (بازماندگان) و از کارافتادگی است.

## ایفای تعهدات با برقراری تعادل

توازن منابع و مصارف به حدی دارای اهمیت است که مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید: «با برقراری تعادل در منابع و مصارف، این سازمان تا سه سال آینده در ایفای تعهدات خود مشکلی ندارد.» میرهاشم موسوی تأکید می‌کند: «طبق اصل (۲۹) قانون اساسی باید کل جامعه تحت پوشش خدمات بیمه اجتماعی و درمانی پایه باشند و دولت‌های مختلف در این زمینه تاکنون، کوتاهی‌هایی داشته‌اند. سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی که به تازگی از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است، بر پوشش خدمات بیمه پایه برای تمام احاد جامعه تأکید دارد و دولت باید از محل منابع عمومی، پوشش پایه را برای تمام مردم فراهم و تضمین کند و سطوح تکمیلی و مازاد بیمه‌های بازنشستگی و درمان، باید با مشارکت افراد و کارفرمایان شکل بگیرد.»